

## بررسی تأثیر ارائه خدمات مشاوره‌ای در تغییر نظامهای ارزشی زنان مجرم

ریتا لیاقت\*

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر ارائه خدمات مشاوره‌ای در تغییر گرایش به مؤلفه‌های نظام ارزشی یعنی ارزش‌های نو و سنتی در گروه‌های بزهکاران پرداخته است. در این پژوهش ۱۲۰ نفر از بزهکاران مستقر در بازداشتگاه اصفهان به صورت تصادفی انتخاب شدند. ۹۰ نفر این افراد شامل ۳ گروه آزمایشی (سارقین، معتادین و منحرفین جنسی) بودند و ۳۰ نفر در گروه گواه به نسبت مساوی از بین کل افراد، به عنوان نمونه انتخاب شدند. پس از آن به عنوان پیش آزمون «فهرست افتراقی ارزشهای پرینس» و «معیار ارزشهای راکیچ» را تکمیل کردند. سپس بمدت ۳ ماه، هفته‌ای یک جلسه از خدمات مشاوره‌ای فردی و گروهی بهره‌مند شدند. پس از پایان ۳ ماه، آزمودنیها مجدداً به صورت گروهی توسط آزمون پرینس و راکیچ ارزیابی شدند. نتایج حاکی از آن بود که میانگین تفاوت‌های پیش آزمون و پس آزمون در گروه‌های آزمایشی بنحو چشمگیری از گروه گواه بالاتر است. این امر تأییدکننده این مطلب است که ارائه خدمات مشاوره‌ای در تغییر نظام ارزشی دختران بزهکار (سارق، معتاد و منحرفین جنسی) تأثیر داشته است. در مجموع یافته‌های پژوهش چشم انداز جدیدی در زمینه به کارگیری اقدامات خاص در برنامه‌های بازپروری جوانان بزهکار و همچنین تدبیر برنامه‌هایی را برای جلوگیری از بزهکاری جوانان نوید می‌دهد.

کلید واژه‌ها: مشاوره، بزهکاری، نظامهای ارزشی

## مقدمه

در طول تاریخ، بررسی و تبیین گرایش‌های ارزشی در میان جوانان همواره اندیشه‌ها و تلاش‌های پژوهشگران و متخصصان رشته‌های مختلف خصوصاً روانشناسان، جامعه‌شناسان، حقوقدانان و مریبان را به خود جلب کرده است. مروری بر پیشینه پژوهشی، بیانگر این نکته است که بررسی‌های جامعه‌شناختی، سهم عمده‌ای را در این گستره، به خود اختصاص داده‌اند و عوامل محیطی و اجتماعی فراوانی را در تبیین ارزش‌های فردی و اجتماعی برشمرده‌اند. همگام با این خط مشی در پژوهش حاضر نیز سعی بر این است که آثار به کارگیری از خدمات مشاوره‌ای در تغییر گرایش‌های ارزشی زنان مجرم بررسی شود. پژوهش در این راستا مستلزم توجه به تأثیر این متغیر در تفسیر ارزش‌های گروه‌های مختلف مجرم اعم از سارق، معتاد و منحرف جنسی می‌باشد؛ چراکه با توجه به اینکه بزهکاری یک معضل مهم اجتماعی و تهدیدکننده سلامت عمومی هر جامعه است، بسیاری از اعمال خلاف عرف توسط این افراد تحت تأثیر ایده‌آل‌های ارزشی و اخلاقی آنان انجام می‌شود. لازم است در جهت شناخت و اصلاح و تغییر گرایش‌های ارزشی بزهکاران با آگاهی بیشتری مقابله نماییم. همگام با این مسئله، نتایج برخی از پژوهش‌های روانشناختی (مثل پژوهش والستر ۱۹۶۲)، بیانگر تأثیر خدمات مشاوره‌ای در ایجاد تغییر در ارزش‌ها در سطح پذیرش (که سطح مربوط به میزان اعتماد فرد است) و سطح رجحان (که به ترجیح ارزش‌های خاص افراد اشاره دارد) و سطح پایبندی و تعهد (به عنوان برترین درجه پذیرش) می‌باشد.

از مهمترین ویژگی‌های پژوهش راکیچ (۱۹۹۵)، آن است که روشن ساخت، تغییر در نظام ارزش‌ها تنها به مرحله نوجوانی محدود نمی‌شود، بلکه در مراحل بعدی عمر هم ادامه دارد. اما اشکال تحقیق راکیچ این است که بین مراحل مختلف سنی و روی گروه‌هایی دست به مقایسه زده است که از نظر ملیت و سطح اقتصادی - اجتماعی با هم متفاوتند.

نتایج پژوهش ویلیامز (۱۹۷۶)، بیانگر این است که احتمال تغییر در نظام ارزش‌ها در اموری مثل آفرینش ارزش‌های جدید، ویرانی ناگهانی ارزش‌های کهنه و تضعیف و امتداد ارزش‌های قابل پذیرش متجلی می‌شود. برای مثال منظور وی از آفرینش، بروز باوری نو در فرد نسبت به تجارب جدید است که به نوعی ابزاری برای ارزشیابی وقایع روزمره نیز می‌باشد و این محک یا باور به مرور در شکل‌گیری الگوی رفتار فرد نیز تأثیر می‌گذارد و در همین راستا تغییراتی در ارزش‌های قبلی در الگوی رفتاری وی رخ می‌دهد و شکل نهایی رفتار فرد، ماحصل میزان همراهی

ارزشهای جدید که به تازگی فرد فرا گرفته و ارزشهای پیشین وی می باشد. همچنین منظور وی از ویرانی ناگهانی ارزشها نیز ویرانی سریع ارزشهایی است که در گذشته مطلوب وی بوده اند و علت این فروپاشی نظام ارزشهای پیشین همان ظهور و کسب اطلاعات جدیدی است که اطلاعات قدیمی تر را از اعتبار ساقط می سازد و این اطلاعات در بیشتر موارد از طریق ارائه خدمات مشاوره ای به افراد دریافت می گردد و سرانجام اینکه امتداد ارزشهای مطلوب به گسترش و بسط محدوده دایره فرد در زمینه ارزشهای فردی و اجتماعی ختم می شود و بسط ارزش همان صلاحیت بخشیدن به ارزشها و توسعه نفوذ آن در بافت اجتماعی - فرهنگی است که با آموزش مهارتهای اجتماعی و ارتباطی به افراد جامعه امکان پذیر است، انجام می پذیرد.

نتیجه پژوهشهای رزبالت (۱۹۹۱)، نشانگر این است که در زمینه چگونگی فراگیری اجتماعی ارزشها که از طریق تجربه های مستقیم ناشی می شوند، کانال اصلی ایجاد این فراگیرها همان مشاهدات اجتماعی روزمره افراد است. شیوه پیروی و اقتداء تحت تأثیر عواملی چون ویژگیهای رهبری از قبیل (جنس، سن، سطح آموزش و ویژگیهای شخصی ...) می باشد همچنین نتیجه ها و عواقب مترتب بر رفتار الگو، انگیزه فرد و آموزشهای سوق دهنده به این انگیزه نیز از عوامل دخیل در پیروی از الگوهای رفتاری یک الگو توسط مشاهده گر می باشد.

بر اساس نتایج پژوهش شریف و هاوولد (۱۹۵۲)، زمینه تقابل درونسازی تکامل یافت، به این معنا که تحول در نظام ارزشها همیشه روی به سوی جذب مطلوبیتها ندارد بلکه گاهی بین گرایشهای یک فرد با افراد دیگر اجتماع کاملاً تناقض وجود دارد و به جای کسب ارزشهای مورد قبول اجتماع و جذب بایدهای فرهنگی، فرد بالعکس دست به پدیده تقابل می زند و گرایشهای نامطلوب و متناقض با ارزشهای فرهنگی خویش را جانشین می سازد. در حالی که اگر گرایشهای مطلوب و دوست داشتنی جانشین شوند پدیده جذب اتفاق می افتد و بنظر شریف و هاوولد مهمترین عامل مؤثر در تغییر گرایشها و آراء همان درجه تفاوت بین گرایشهای منع یا فرستنده (عامل بیرونی) و گرایشها و آرای گیرنده (عامل درونی) می باشد.

جذب گرایشهای مطلوب و جانشینی آن با گرایشهای نامطلوب می تواند از طریق برنامه ریزیهای آموزشی و تربیتی و مشاوره ای صورت پذیرد.

در پژوهش حاضر محقق بر آن است که با پیگیری روند بررسیهای مربوط به بزهکاری جوانان و توجه به نتایج این حیطه پژوهشی و بررسی نظریه ها و یافته های پژوهشی در مورد نظام

ارزشها و تأثیر شرایط اجتماعی جدید به بررسی این موضوع بپردازد که: آیا خدمات مشاوره‌ای در تغییر ارزشهای سنتی به ارزشهای نو در گروههای مختلف بزهکار اعم از سارقین، معتادین و منحرفین جنسی مؤثر می‌باشد؟ همچنین طرح پژوهشی پاسخ این سؤال را جستجو می‌کند که: آیا بین میزان تغییر ارزشهای سنتی به ارزشهای نو در گروههای بزهکار تفاوت معنی داری وجود دارد؟

## روش

### آزمودنی‌ها

نمونه‌های مورد مطالعه از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده که در آن هر یک از اعضای جامعه مورد مطالعه شانس مساوی جهت انتخاب شدن داشتند، انتخاب شدند. ۱۲۰ نفر از دختران مجرم از گروههای سارقان، معتادین و منحرفین جنسی (به نسبت مساوی) انتخاب شدند و به سه گروه ۳۰ نفری به عنوان گروه‌های آزمایشی و اگره گواه ۳۰ نفری تقسیم شدند. دامنه سنی آزمودنیها بین ۱۸ تا ۲۸ سال بود و همه آنها با رضایت و تمایل خود به پرسشنامه پاسخ گفتند.

### ابزار پژوهش

#### الف) فهرست افتراقی ارزشهای پرینس<sup>۱</sup>

این فهرست براساس تقسیم ارزشها به ارزشهای سنتی<sup>۲</sup> و ارزشهای نو<sup>۳</sup> فراهم شده است. این فهرست از ۶۴ ماده تشکیل شده که هر ماده آن شامل دو عبارت است و پاسخ دهنده باید یکی از آنها را انتخاب کند. عبارت اول یا (الف) نمایانگر ارزشهای سنتی (مانند: ارزشهای اخلاقی، میل به موفقیت، دستیابی به قدرت و برنامه ریزی برای آینده) و عبارت دوم یا (ب) نمایانگر ارزشهای نو می‌باشد که همگانی بوده و توجه به وضع کنونی، صداقت و خوشبختی را نشان می‌دهد.

بنظر پرینس (۱۹۷۴)، نظام ارزشی مجموعه گرایشهای مربوط بهم است و برخورد فرد با این گرایشها براساس مبانی خاصی است که نقش اساسی در نظام باورهای کل فرد بازی می‌کند بنظر وی در تحول ارزشها از شکل سنتی به نو، دو مبحث قابل طرح است. بحث اول در زمینه هدف تحول و بحث دوم در زمینه سطح تحول می‌باشد.

در تغییر نظام ارزشی از شکل سنتی به نوگاهی اهداف مستقیم و مربوط به مسائل اولیه و واقعی

زندگی مثل غذا، آسایش و تحصیل است و گاهی اهداف غیر مستقیم که غیر اجتماعی است و به آینده مربوط می شود مثل دستیابی به یک شغل یا تلاش برای شهرت و اهداف نهایی نیز که اهدافی بدون واسطه است مسائلی از قبیل آزادی و زیبادوستی است.

در بخش دوم تحول ارزشهای سنتی به ارزشهای نو نیز پرینس (۱۹۷۴)، بحث سطح تحول را مطرح می سازد که رشد ارزشها از سطوحی برخوردار است، سطح اول همان سطح پذیرش یعنی پایین ترین درجه یقین است و سطح دوم، سطح رجحان و ترجیح ارزش خاص توسط فرد است و سطح سوم، سطح پایبندی و تعهد که برترین درجه تعیین، یعنی آگاهی به خروج از ارزش خاص به منزله مخالفت با معیارهای رایج است.

رشد نظام ارزشها در جهت گیری خود از عینی به ذهنی بودن و از سادگی به ترکیب و از خصوصی بودن به عمومی بودن و از ابزاری بودن به نهایی بودن در حرکت است و این تحول حاصل فرآیند تأثیر متقابل فرد با محدودیتهای خاص او و الگوهای چارچوب فرهنگی ای است که در آن زندگی می کند.

فهرست پرینس توسط ابراهیم زاده (۱۳۷۴)، روی نمونه ای از دانشجویان شهر اصفهان به کار رفته است و اعتبار معادل ۰/۵۲ (با استفاده از روش ۲۱ کودر - ریچاردسن) برای آن گزارش شده است. پرینس و همکاران (۱۹۷۴)، همسانی درونی ۰/۸۳ با استفاده از آلفای کرونباخ را در مورد فهرست خود گزارش داده اند و همبستگی دوبار اجرا به روش آزمون مجدد، با فاصله زمانی کوتاه نیز ۰/۷۵ بود. چنانچه آزمودنی گزینه الف (مربوط به ارزشهای سنتی) را انتخاب کند ۰/۵ نمره و چنانچه گزینه ب (مربوط به ارزشهای نو) را انتخاب کند ۱ نمره کسب می کند؛ یعنی مجموع نمرات ارزشهای نو برابر ۶۴ و در ارزشهای سنتی برابر ۳۲ می باشد.

نمره آزمودنی در بخش الف (ارزشهای سنتی) و بخش ب (ارزشهای نو) محاسبه گردیده و چنانچه نمره وی از میانگین جامعه در هر یک از بخشها بالاتر بود، گرایش آزمودنی به ارزشهای مربوط به آن بخش نمایانگر می شد، یعنی در حقیقت این ابزار یک معیار است که نتیجه نهایی آن در افراد در مقایسه با جامعه مشخص می گردد. به همین دلیل معیار خاصی ندارد، بلکه موقعیت هر فرد یا گروه با توجه به جامعه کلی مشخص می گردد.

## ب) طرح میدانی ارزشها از راکبج

این طرح شامل دو بخش است که برای سنجش ارزشهای نهایی<sup>۵</sup> و ارزشهای ابزاری<sup>۶</sup> (که هر یک در برگیرنده ۱۸ ارزش هستند) به کار می‌روند. ثبات درونی این آزمون به گزارش راکبج (۱۹۹۵)، براساس محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ بوده است، در پژوهش حاضر نیز برای بررسی قابلیت اعتماد آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب آلفا برای کل آزمودنیها ۰/۸۱ بدست آمد. از فرد خواسته می‌شود که هر بخش را به شکل مستقل از دیگری منظم کند یعنی فهرست ارزشها را از شماره ۱ (که با اهمیت‌ترین آن است) تا شماره ۱۸ (که کم‌ترین اهمیت را دارد) مرتب کند. پس از اینکه از آزمودنی خواسته می‌شود بنا بر گرایش شخصی این فهرست را مرتب سازد. ۹ ارزش اولیه در هر بخش این فهرست (یعنی ۹ ارزش اولیه از ارزشهای نهایی و ۹ ارزش اولیه بخش ارزشهای ابزاری) دارای اهمیت است.

## شیوه اجرا

کلیه آزمودنیها به طور جداگانه ابتدا فهرست افتراقی ارزشهای پرینس و سپس معیار ارزشهای راکبج را در قالب پیش آزمون تکمیل کردند. ۳۰ نفر گروه گواه که به نسبت مساوی از سارقین، معتادین و منحرفین جنسی انتخاب شده بودند در طول مدت پژوهش به هیچ وجه از خدمات مشاوره‌ای زندان بهره‌مند نشدند ولی در گروه آزمایشی که شامل ۹۰ نفر بودند و به سه گروه ۳۰ نفری (به نسبت نوع جرم) تقسیم شده بودند اطلاعات مورد نظر محقق طی سه جلسه ۲ ساعته به طور مستقیم به مسئولین بخش مددکاری اجتماعی و مشاوره ارائه گردید و مقرر شد طی جلسات مشاوره فردی و گروهی بطور غیرمستقیم به بزهکاران ارائه شود. لازم به ذکر است که جلسات مشاوره گروهی برای بزهکاران بنا به درخواست محقق یک بار در هفته تشکیل می‌شد که ابتدا به زندانیان اعلام گردید که محور بحث مشاوره گروهی دموذ موفقیت است. پس از ۳ ماه مجدداً ابتدا آزمون پرینس و سپس معیار ارزشهای راکبج به عنوان پس آزمون به گروههای مورد نظر ارائه شد و نمرات آنان محاسبه گردید.

این پژوهش به روش آزمایشی صورت گرفت و از آزمون ۱ در گروههای همبسته جهت ارزیابی داده‌های مربوط به چگونگی تغییر ارزشها در هر یک از ۳ گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه استفاده شد و همچنین به منظور بررسی تفاوت موجود بین گروههای بزهکار در زمینه

تغییر ارزشها از آزمون (F) با تحلیل واریانس ۲ راهه استفاده گردید، سپس توسط انجام آزمون تعقیبی توکی چگونگی ترتیب و اولویت بندی گروههای آزمایش و گواه پس از کاربرندی متغیر مستقل، مشخص گردید.

کاربندی مورد استفاده در گروههای آزمایش مبتنی بر ۴ محور بود:

۱- روش توضیح ارزشها و تأثیر آن در تغییر ارزشها، ۲- جلسات مشاوره و مباحثه فردی و گروهی، ۳- آموزش روشهای مقابله با تنیدگی، ۴- آموزش مهارتهای ارتباطی.

● روش توضیح ارزشها و تأثیر آنها در تغییر ارزشها توسط سیدنی و سین (۱۹۸۶)، به قصد تغییر ارزشهای فرد ارائه شد. ارزشهای رایج در این زمینه روش سیال سازی ذهنی است که روشی برای اندیشه جمعی به منظورهی متعدد از جمله حل مشکلات و تمرین به قصد افزایش صلاحیت توانائیا و عملیات ذهنی است.

● روش برگزاری جلسات مشاهده و مباحثه فردی و گروهی بیشتر حول این محور بود که وقتی فرد دچار تعارض یا تناقض بین ارزشهای فرد (جلسات آموزشی)، اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد گاهی تعارض بین ۲ اقدام که غالباً بین دو هدف مثبت رخ می‌دهد که باید به سوی هدف نزدیکتر گام برداشت نوع دیگر آن تعارض بین دو عدم اقدام است که هر دو امر مسلمی است و تعارض بین اقدام و عدم اقدام که مربوط به ۲ انگیزه متعارض بین دست یافتن به چیزی و دست نیافتن به آن می‌باشد که در صورت عدم حل شخص را از تصرف ناتوان و پریشان می‌سازد.

● در مرحله سوم آموزش و روشهای مقابله با تنیدگی‌های محیطی انجام شد که به صورت آموزشهای ویژه در زمینه تغییر دیدگاه، تمرین آرمیدگی عضلانی، تجسم موقعیتهای مثبت، تمرین کنترل نگرانی و سخن گفتن سازنده با خود انجام شد.

● در مرحله آخر مهارتهای ارتباطی مثل گوش دادن، حرکات بدنی، انعکاس، خودافشاگری، جسور بودن و درمورد زبان بدن از طریق ارائه آموزشهای لازم در گروه آزمایشی تقویت شد.

### نتایج

در نتیجه اجرای پیش آزمون و پس آزمون راکتیج، مهمترین دستاورد پژوهش حاضر این است که از طریق ایجاد شرایط اجتماعی جدید مثل کاربرندی خدمات مشاوره‌ای می‌توان تغییراتی در نظام ارزشهای افراد ایجاد کرد. جدول ۱ چگونگی اولویت بندی ارزشها، در کل

گروه نمونه را قبل از اجرای کاربرندی نمایان می‌سازد.

جدول ۱ - چگونگی اولویت‌بندی مقدماتی ارزشها در گروههای چهارگانه (آزمایش و گواه) بزهارکار، قبل از ارائه خدمات مشاوره‌ای (مرحله پیش‌آزمون راکبیچ)

ارزشهای نهایی		ارزشهای ابزاری	
درصد	تعداد	ارزشها	تعداد
۲۱	۲۵	لذت	۱
۱۱/۶	۱۴	زندگی هیجانی	۲
۸/۳۳	۱۰	موفقیت	۳
۱۶/۶	۲۰	عشق با ترس	۴
۱۰	۱۲	خوشبختی	۵
۰/۷۵	۵	دوستی حقیقی	۶
۱۰	۱۲	آزادی	۷
۸/۳۳	۱۰	برابری	۸
۶/۶۶	۸	زیبایی جهان	۹
جمع	۱۲۰		۱۲۰

تقریباً ۶۰٪ معنادان در گروههای آزمایش و گواه لذت و زندگی هیجانی و عشق با ترس و موفقیت را به عنوان ۴ ارزش نهایی یا غایی مرتبه اول انتخاب کرده‌اند و در فهرست ارزشهای ابزاری نیز ۵۶٪ افراد ارزشهایی از قبیل آزادی و استقلال، شجاعت، توانایی و قدرت و بلندپروازی را جزء ۴ رتبه اول ارزشهای انتخابی خود قرار داده‌اند ولی چنانکه جدول ۲ (که نمایانگر اطلاعات مرحله پس‌آزمون راکبیچ است) نشان می‌دهد پس از اجرای کاربرندی، اولویت بندی ارزشها در گروههای آزمایشی تغییر کرده است.

جدول ۲ - چگونگی اولویت‌بندی نهایی ارزشها در گروههای آزمایشی پس از ارائه خدمات مشاوره‌ای (در مرحله پس‌آزمون راکبیچ)

ارزشهای نهایی		ارزشهای ابزاری	
درصد	تعداد	ارزشها	تعداد
۱۸	۲۰	زندگی آسوده	۱
۱۳/۱۵	۱۵	امنیت خانوادگی	۲
۰/۹	۱۱	آزادی	۳
۹	۱۰	برابری	۴
۱۱/۷	۱۳	خوشبختی	۵
۴/۵	۵	احترام به خود	۶
۳/۶	۴	اعتبار اجتماعی	۷
۶/۳	۷	موفقیت	۸
۲/۷	۳	صلح جهانی	۹
جمع	۹۰		۹۰



چنانچه نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد اهمیت ارزشهای انسان‌گرایانه مجرمان گروه آزمایش نسبت به پیش‌آزمون افزایش داشته به این ترتیب که گروههای آزمایشی، زندگی آسوده، امنیت، اعتبار اجتماعی و آزادی را در اولویت اول قرار داده‌اند و از طرف دیگر از گروه ارزشهای ابزاری، ارزشهای مسئولیت‌پذیری، خوشبختی‌داری، عشق‌ورزی و شجاعت جزء اولویتهای ابتدایی گروههای آزمایشی شده‌اند همچنین مقایسه جدول ۱ و جدول ۲ نشان می‌دهد که در زمینه ارزشهای نهایی فقط سه ارزش نهایی، برابری، خوشبختی و آزادی بین دو طبقه بندی در گروههای آزمایشی مشترک است همچنین با بررسی ارزشهای ابزاری در می‌یابیم که ارزشهایی مثل تسامح و خودپسندی فقط در پیش‌آزمون گروههای آزمایشی موجود است ولی در مرحله پس‌آزمون در فهرست اولویت بندی ایشان نیست و سایر ارزش‌ها نیز از نظر مرتبه‌ای که برای آنها در نظر گرفته شده با فهرست اول (پیش‌آزمون) متفاوت می‌باشند. همچنین ۲ ارزش مسئولیت‌پذیری و عشق‌ورزی نیز به فهرست ارزشهای ابزاری آنان اضافه شده است. جدول ۳ نیز نمایانگر نتایج اولویت‌بندی ارزشهای ابزاری و نهایی گروه گواه در مرحله پس‌آزمون است.

جدول ۳- چگونگی اولویت‌بندی نهایی ارزشها در گروه گواه (در مرحله پس‌آزمون راکبج)

ارزشهای ابزاری		ارزشهای نهایی			
رتبه در جدول	تعداد	ارزشها	رتبه در جدول	ارزشها	تعداد
۲۶/۶	۸	توانایی و قدرت	۱	زندگی هیجانی	۷
۱۳/۳	۴	شجاعت	۲	لذت	۵
۱۳/۳	۴	تسامح	۳	آزادی	۳
۱۶/۶	۵	آزادی و استقلال	۴	عشق با ترس	۵
۶/۶۶	۲	بلند پروازی	۵	موفقیت	۳
۱۰	۳	خودپسندی	۶	خوشبختی	۳
۳/۳	۱	گسترده‌گی و خیالپردازی	۷	دوستی حقیقی	۱
۳/۳۳	۱	بلند نظری	۸	اعتبار اجتماعی	۲
۶/۶۶	۲	فرمانبری	۹	برابری	۱
	۳۰				۳۰

از بررسی جدول ۳ نتیجه می‌گیریم که در بخش ارزشهای نهایی تمام ارزشها بجز زیبایی جهان که تبدیل به اعتبار اجتماعی شده به طور مشترک در پیش‌آزمون و پس‌آزمون مطرح شده است و فقط به طور نامحسوسی سایر ارزشها از نظر رتبه جابجا شده است و حتی در برخی از ارزشها مثل زندگی هیجانی ارزشمندی بالاتری (در حد ۲۳/۳٪) در مرحله پس‌آزمون گزارش شده است.

همچنین در بخش ارزشهای ابزاری نیز به جز ارزش عشق ورزی و مسئولیت پذیری سایر ارزشها در پس آزمون تکرار شده‌اند و فقط جابجایی‌هایی در ترتیب اولویت وجود دارد. (ب) فهرست افتراقی ارزشهای پرینس برای مقایسه میانگین تفاوت‌های پیش آزمون و پس آزمون گروه‌های مورد مطالعه در تغییر ارزشها از چهار آزمون t گروه‌های وابسته به صورت جداگانه استفاده کرده‌ایم.

جدول ۴- نتایج آزمون t برای مقایسه نمرات پیش آزمون و پس آزمون تغییر ارزشهای سنتی به نو در گروه معنادان، سارقین و منحرفین جنسی

پس آزمون	پیش آزمون	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	t	سطوح معناداری	
						معدانان	سارقین
پس آزمون	پیش آزمون	۱۵/۶۳	۱۱/۷۲	۲/۱۴	۱/۷۶۵	۰/۰۵	معدانان
پس آزمون	پیش آزمون	۲۰/۷۳	۱۲/۹۱	۲/۳۵			
پس آزمون	پیش آزمون	۱۵/۲۶	۱۲/۵۶	۲/۲۹	۹/۸۲۷	۰/۰۱	سارقین
پس آزمون	پیش آزمون	۲۱/۲	۱۲/۸۱	۲/۳۳			
پس آزمون	پیش آزمون	۱۵/۸	۱۱/۴۳	۲/۰۸	۳/۵۰۸	۰/۰۰۱	منحرفین جنسی
پس آزمون	پیش آزمون	۲۴/۰۳	۱۲/۸۸	۲/۳۵			

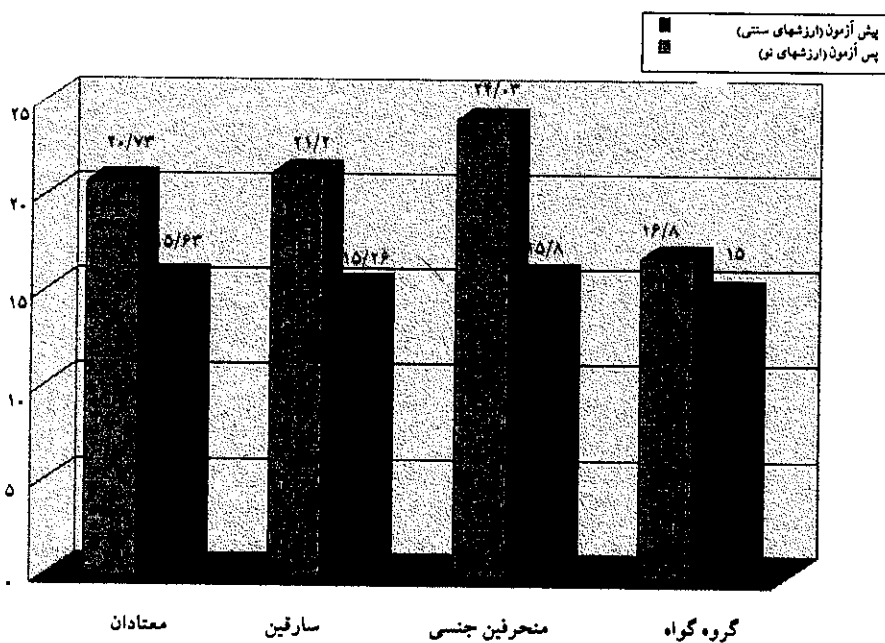
جدول ۴ و نمودار ۱ نتایج آزمون t برای مقایسه پیش آزمون و پس آزمون گروه معنادان، سارقان و منحرفین جنسی در آزمون پرینس را در این جدول نشان می‌دهد.

○ نتایج مهم محاسبه آزمون t همبسته در گروه معنادان در زمینه تأثیر خدمات مشاوره‌ای تغییر ارزشهای نو به سنتی نشان می‌دهد که تفاوت دو میانگین معنادار است که بیانگر این نکته است که پس از کاربرندی میزان گرایش به ارزشهای نو افزایش یافته است.

○ نتایج محاسبه آزمون t همبسته در گروه سارقین را در زمینه تغییر نظام ارزشی (ارزشهای نو به سنتی) نشان می‌دهد که تفاوت میانگین‌ها معنادار است به عبارت دیگر این نتیجه حاکی از آن است که اجرای خدمات مشاوره‌ای تغییر معناداری در گرایش به ارزشهای نو ایفا نموده است.

○ نتایج محاسبه آزمون t همبسته در گروه منحرفین جنسی در زمینه تأثیر خدمات مشاوره‌ای (ارزشهای نو به سنتی) نشان می‌دهد که t حاصل از این آزمون (t=۳/۵۰۸) معنادار (p < ۰/۰۰۱) است به سخن دیگر اجرای خدمات مشاوره‌ای تغییر معناداری را در گرایش این گروه به

ارزشهای نو در پی داشته است. یادآوری می‌گردد که در اجرای آزمون t برای مقایسه پیش آزمون و پس آزمون گروه گواه در آزمون پریس تفاوت معناداری حاصل نشد. مشاوره در برخی از مراحل سنی مانند جوانی که مرحله آشفتگی و اضطراب و عدم استقرار و رنج است از اهمیت شایانی برخوردار است و در حقیقت با ارائه خدمات مشاوره‌ای نوعی انطباق بین ارزشهای حاکم در جامعه و نظام ارزشهای حاکم نزد جوانان برای پیشگیری از ایجاد هرگونه جرم برقرار می‌گردد و یا به منظور ایجاد تغییر در نظام ارزشی ایشان حتی پس از وقوع جرم نیز می‌توان از خدمات مشاوره‌ای استفاده کرد.



نمودار ۱- میانگین تفاوت‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون در سه گروه آزمایشی معتادین، سارقین، منحرفین جنسی و گروه گواه

#### بحث

فلای و حمید (۱۹۹۱)، براساس پژوهشی به این مطلب اشاره کرده‌اند که وقتی فرد به ارزشی چون برابری اهمیت زیادی می‌دهد و به ارزشی چون آزادی اهمیتی کمتر، جنبه شناختی او در این حالت صبغه عدم توازن دارد و برای بازگرداندن این نظام به حالت توازن می‌توان از دو روش

بهره جست:

الف - یا اهمیت هر دو ارزش را در فرد به یک درجه افزایش دهیم.

ب - یا از اهمیت هر دو ارزش نزد فرد بکاهیم. و این تغییر غالباً از طریق ابزار متفاوتی چون مشاوره و راهنمایی و از طریق توضیح ارزشها و قرار دادن فرد در معرض اطلاعاتی درباره این ارزشها و افزایش آگاهی و دقت او به عدم هماهنگی میان ارزشهای وی و ارزشهای دیگران است که این نتایج کاملاً با نتایج پژوهش حاضر همخوان است. این نتایج بیانگر این است که ارائه خدمات مشاوره‌ای در تغییر نظام ارزشی (ارزشهای نو به سنتی) در گروههای مجرم (شامل سارقین، معتادین و منحرفین جنسی) مؤثر می‌باشد و به عبارت دیگر بین میزان تغییر نظام ارزشها در بزه‌کارانی که خدمات مشاوره‌ای دریافت کرده‌اند تفاوت معنی‌داری نسبت به بزه‌کاری که خدمات مشاوره‌ای دریافت نکرده‌اند به چشم می‌خورد.

● لوینگر (۱۹۹۶)، نیز از پژوهش خود نتیجه می‌گیرد که در زمینه تغییر ارزشهای اخلاقی باید میان مرحله‌های حکم اخلاقی مضمون آن تفکیک قایل شویم.

● همچنین میلاردو (۱۹۹۷)، گزارش می‌کند که انتخاب اخلاقی شامل مقایسه دو یا چند ارزش که در این تعارض و در این موقعیت متجلی می‌شود، می‌باشد و این انتخاب در بیشترین موارد در ارتباط با دیگران و کسب اطلاعات ارزش از آنان می‌باشد که بنوعی مؤید نتیجه تحقیق فعلی در زمینه کاربردی روش توضیح ارزشها و خدمات مشاوره‌ای در زمینه تغییر ارزشهاست. چراکه بویژه از طریق توضیح ارزشها ضرورت توجه به افکار دیگران و نقد و تحلیل و سیال سازی ذهن بحث و بررسی می‌شود.

● براساس پژوهش مورس، کولهن و جرسیلد (۱۹۹۸)، در زمینه مشاوره و ارزشهای جوانان نتایج نشان داده است که لازم است راهنمایی و مشاوره پیرامون ایجاد و تکامل ارزشهایی که جوانان دوست دارند، متمرکز گردد. همچنین تأکید بر همخوانی ارزشهای مطلق مشاوران و ارزشهای جامعه می‌باشد. که در پژوهش فعلی نیز با توجه به سن آزمودنیها که بین ۱۸-۲۸ سال است در اغلب موارد این تضاد ارزشی جوان با ارزشهای حاکم جامعه بچشم می‌خورد که بویژه بررسی نتایج تحقیق فعلی از اجرای پیش‌آزمون و پس‌آزمون در هر دو ابزار اندازه‌گیری تأثیر کاربردی تجربی خدمات مشاوره‌ای را در ایجاد این انطباق روشن می‌سازد.

● پریش (۱۹۷۴)، گزارش می‌کند که مشاوره و راهنمایی در برخی از مراحل سنی مانند

مرحله جوانی که مرحله آشفته‌گی اضطراب و عدم استقرار است در بزهکاران از اهمیت شایانی برخوردار است؛ که با توجه به پژوهش فعلی که در گروه سنی ۱۸-۲۸ سال انجام گرفت لزوم توجه به این مرحله سنی خاص توسط نتایج پربش تأیید می‌شود.

● وایت (۱۹۹۲)، براساس نظرخواهی و سنجش گرایشها بین جوانان غرب در دوره دبیرستان و دانشگاه گزارش می‌کند که جوانان غالباً دچار مشکلاتی می‌شوند که نتیجه حرکت جامعه نوین با نظامهای ارزشی خود در جهت نادیده گرفتن ویژگیهای دوره نوجوانی است. چون به جوانان اجازه زندگی مناسب با مقتضیات رشد این مرحله داده نمی‌شود، در نتیجه، خود، عاملی در جهت ایجاد جرم می‌باشد که کاملاً با نتیجه تحقیق فعلی هماهنگ است. چراکه گروههای آزمایش و کنترل نیز از این مجرمین بین ۱۸ تا ۲۸ انتخاب شدند که در طی برگزاری مشاوره‌های گروهی و پس از آن ارزشیابی نهایی نتایج نشان داد که خدمات مشاوره‌ای، منجر به ایجاد تغییر در نظام ارزشی سستی به نوحه شده است.

● شلینگر (۱۹۸۹)، نیز نتایج پژوهش خود در زمینه تأثیر راهنمایی و ارائه اطلاعات درباره نتیجه رفتار را بدین شکل گزارش می‌دهد که رشد وجدان در رفتار اخلاقی بر مبنای دادن فرصت و اطلاعات به افراد مختلف است.

● سیندر و ژاروس (۱۹۸۳)، براساس پژوهش خود در زمینه توضیح ارزشها و تأثیر آن بر رویکردهای ارزشی دانشجویان به این نتیجه رسیدند که ۵ عامل در رویکردهای ارزشی دانشجویان مؤثر بوده و از میزان تخلف و جرم در این قشر می‌کاهد، کد عبارتند از: میزان وحدت دانشجویان با استاد، اظهار نمودن ارزشها از سوی استادان، اظهار نمودن ارزشها از سوی استادان برای دانشجویان در سخنرانیها، محتوای روش و ارتباط آن با روش تدریس و محتوای روش و موضوعات.

● نتایج پژوهش حاضر نویدبخش آثار به کارگیری اقدامات خاص در برنامه‌های زنان مجرم در استان اصفهان است که از این طریق می‌توان شرایط سازش مناسب با محیط را در آنها بوجود آورد. همچنین یافته‌های پژوهش فعلی لزوم تدبیر برنامه‌هایی برای جلوگیری از انحراف جوانان را مطرح می‌سازد. در نهایت نکته‌ای که با توجه به یافته‌های پژوهش و سایر مطالعات این حیطه قابل تأیید است اینکه می‌توانیم با فراهم ساختن زمینه مناسب آموزش ارزشها و در موارد ضروری بکار بستن تمهیدات لازم جهت تغییر ارزشها از گرایش جوانان به مسیرهای نامناسب و

انتخابهای نادرست ارزشی جلوگیری نماییم. البته انجام یک پژوهش برای نتیجه گیری نهایی در این زمینه ها کفایت نمی کند ولی تکرار پژوهشهای مشابه در استانهای دیگر می تواند ارائه دهنده راهبردهایی جهت مقابله با این معضل اجتماعی باشد. از طرفی موضوع ارزشهای بستر حاصلخیز برای پژوهشهای فلسفی است که به تأمل و تجربه و تجرید مبتنی است؛ چه بسا نتایج این پژوهشها مکمل پژوهشهای روانشناختی در زمینه ارزشها باشد.

● بزعم این که محققین در ارائه اطلاعات و اظهار ارزشهای خود نوعی روش تربیتی منتهی غیر مستقیم برای تغییر ارزشها به کار برده اند که نتایج مشابه آن را می توان از طریق ارائه راهنمایی و مشاوره در هسته های مشاوره در دانشگاه در اختیار دانشجویان گذاشت.



یادداشت ها

- |  |                        |
|--|------------------------|
| 1- Differential Values Inventory(Prince) | 2- Tradiational        |
| 3- Emergent                              | 4- Kuder-Richardson    |
| 5- Terminal values                       | 6- Instrumental values |

منابع

- ابراهیم زاده، امیر (۱۳۷۴)، بررسی تحولی ارزشها. کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان

- Argyle, M. (1969). *Social interact*, London, Mezhun Publisher.
- Argyle, M. (1991). *The psychology of interpersonal behaviour*. Penguin Press.
- Ekman, P. L. (1974). Emotion in the human face. *Journal of Personality and Social Psychology*. 290. 288-298.
- Flay, H. (1991). Consulting and values. *Journal of Personality and Social Psychology*. 201-205.
- Forgas, J. P. (1995). *Language and social situations*. NewYork.
- Kendon, A. (1991). Some functions of gaze direction in social interaction. *Acta Psychologica*. 26, 22-30.
- Lerman, N. (1968). The effect of values. *Journal of Personality and Social Psychology*. 15, 321-323.
- Levinger. (1996). The effect of servity of initiation on liking for a group. *Journal of Abnormal and Social Psychology*. 59. 177.

## Archive of SID

- Leviton, J. (1970). *Interaction and social relationship*, Chicago: Penguin Press.
- Lujansky, J. (1997). Polarization and moderation of person perception judgments as function of group interaction style. *Journal of Abnormal and Social Psychology*. 18. 111-113.
- Milardo, J. (1997). *Psychological analysis of conflict choice and commitment*. Wesley Press.
- Morris, K. J. (1998). The group as a polariser of attitude, *Journal of Personality and Social Psychology*. 12. 125-133.
- Perry, A. (1974). *Social relationship*, London, Methuen.
- Prince, R. (1974). *The nature of human values*. London University. Penguin Press.
- Rockeach, M. (1995). Social comparison and ethnic identity *Journal of Social Psychology*. 5. 142-146.
- Rusbult, A. (1991). *Intergroup cooperation and competition*. University Book Exchange.
- Sherif, Hovland. (1952). *Inter personal interaction values*. Wesley Publisher.
- Stone, N. (1993). Racial stereotypes of one hundred college students. *Journal of Abnormal and Social Psychology*. 11. 32-41.
- Sydney, S. (1986). Values and interaction, *Journal of Abnormal Psychology*. 48. 301-303.
- Synder, H. & Joras, B. (1983). *Persistent effects of information about internal reaction*. Chicago.
- Triandis, S. (1998). Differentiation of emotional response in ethnic stereotypes. *Journal of Social Psychology*. 49. 177-186.
- Walster, G. (1962). Population density and social psychology. *Scientific American*, 139-148.
- White, A. (1992). *Interaction and social control*, A.P.A. Press.
- Williams, L. (1976). *Interpersonal relationship*. Washington Publisher.

